



**بررسی تاریخی چالش‌های فراروی  
متکلمان امامیه با تکیه بر مسئله تقریب مذاهب  
در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری**

دکتر پروین اصغری  
دکتر محمدعلی چلونگر  
دکتر علی‌اکبر عباسی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۰

اصغری، پروین، ۱۳۶۶-  
بررسی تاریخی چالش‌های فراروی متکلمان امامیه با تکیه بر مسئله تقریب مذاهب در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری / پروین  
اصغری، محمدعلی چلونگر، دکتر علی‌اکبر عباسی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.  
هفت، ۱۸۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۶۴: تاریخ اسلام؛ ۱۲۵)  
ISBN: 978-600-298-345-9  
بها: ۲۶۰۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
کتابنامه، ص. [۱۵۹] - ۱۷۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.  
۱. تقریب مذاهب. ۲. Taqrib madhahib\*. ۳. متکلمان -- دیدگاه درباره تقریب مذاهب.  
۴. Muslim theologians -- Views on taqrib madhahib. الف. چلونگر، محمدعلی، ۱۳۴۱. ب. عباسی،  
علی‌اکبر، ۱۳۵۰. ج. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. د. عنوان.  
BP۲۳۳/۵  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۹۷/۴۸۲  
۷۵۰۴۶۳۸



## بررسی تاریخی چالش‌های فراروی متکلمان امامیه با تکیه بر مسئله تقریب مذاهب در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری

مؤلف: دکتر پروین اصغری (عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان)، دکتر محمدعلی چلونگر (استاد گروه تاریخ  
دانشگاه اصفهان) و دکتر علی‌اکبر عباسی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)  
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه  
چاپ اول: بهار ۱۴۰۰  
تعداد: ۳۰۰ نسخه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز انتشارات دانشگاه پیام نور  
قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات  
۳۷۱۸۵-۳۱۵۱. ص. پ. ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱)  
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰  
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir  
فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>  
مرکز یخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۶۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و رشته فلسفه و کلام اسلامی در دروس تاریخ علم کلام، تاریخ ملل و نحل یا فرق و مذاهب اسلامی، تاریخ اندیشه‌های کلامی و سیر اندیشه‌های سیاسی اجتماعی شیعه و برای مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شده است

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلفان محترم اثر، سرکار خانم دکتر پروین اصغری، دکتر محمدعلی چلونگر و دکتر علی اکبر عباسی و نیز ارزیاب محترم طرح، جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

### فصل اول: درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری

۱. جایگاه و کارکرد علم کلام..... ۷  
۲. روش‌های کاربردی متکلمان شیعه..... ۱۰  
۳. حوزه‌های کلامی شیعه در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری..... ۱۴  
۳-۱. قم..... ۱۴  
۳-۲. بغداد..... ۱۵  
۳-۳. نجف..... ۱۶  
۳-۴. ری..... ۱۶  
۳-۵. کاشان..... ۱۸  
۳-۶. حلّه..... ۱۹

### فصل دوم: رویارویی متکلمان شیعی با چالش‌های تقریب مذاهب از ناحیه اهل سنت

- ۱-۲. درآمدی بر وضعیت سیاسی-کلامی قرن‌های پنجم تا هفتم هجری..... ۲۱  
۱. دوره اول حکومت سلجوقی (۴۳۱-۴۸۵ق)..... ۲۶  
۲. دوره دوم حکومت سلجوقی (۴۸۵-۵۹۰ق)..... ۲۸  
۲-۱-۱. تأثیر نامساعد ائتلاف نیروهای سیاسی-مذهبی اهل سنت بر جریان تقریب مذاهب..... ۳۱  
۲-۱-۲. تأثیر بازدارنده رقابت‌ها و منازعه‌های فرقه‌ای بر روند تقریب مذهبی..... ۳۴  
۲-۱-۲-۱. تعاملات و منازعه‌های کلامی شیعه و سنی در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری..... ۳۷  
۲-۱-۲-۱-۲. اهل حدیث و شیعه..... ۳۸  
۲-۱-۲-۱-۲. اشاعره و شیعه..... ۴۳  
۲-۱-۲-۱-۲. معتزله و شیعه..... ۴۵

۳-۱-۲	پیدایش مراکز علمی تک فرقه‌ای و حکومتی	۵۰
۴-۱-۲	تقابل عقلگرایی شیعی و گذشته‌گرایی سنی	۵۵
الف	تسلط اقوام بیابان‌گرد و چادرنشین بر جوامع اسلامی	۵۵
ب	رشد و گسترش نفوذ گروه‌های عقل‌گریز	۵۶
ج	قوانین و برنامه درسی مراکز علمی آموزشی	۵۹
د	منحصر کردن دانش به امور دینی و اخروی	۵۹
۵-۱-۲	پیوند یافتن اسلام تسنن با تصوّف و ظهور صوفیان متشرع	۶۱
۶-۱-۲	چالش میان متکلمان امامیه و اهل سنت در مسئله امامت	۶۴
۱-۶-۱-۲	ضرورت و وجوب امامت	۶۵
۲-۶-۱-۲	مشروعیت امام	۶۸
۳-۶-۱-۲	غیبت امام	۷۰

### فصل سوم: رویارویی متکلمان شیعی با چالش‌های درونی در عرصه تقریب میان مذاهب

۱-۳	رویکرد نقل‌گرایی و عقلگرایی در کلام شیعه	۷۳
۲-۳	شخصیت‌زدگی و تقلید در مکتب فقهی متکلمان	۸۰
۳-۳	جریان غلو؛ عاملی تأثیرگذار در تخریب چهره شیعه	۸۲
پیامدهای نامطلوب ترویج اندیشه‌های غلو برای کلام شیعه	۸۳	
۴-۳	تندروی‌های اسماعیلیه و تأثیر آن بر حیات شیعه امامیه	۸۵
فعالیت‌های سیاسی اسماعیلیان	۸۵	
فعالیت‌های مذهبی اسماعیلیان	۸۷	
۵-۳	چالش میان متکلمان شیعه بر سر مسئله امامت	۸۹
الف	شرط‌ها و صفات امام	۹۰
ب	وجوب امامت	۹۳
ج	شئون امام	۹۴
د	طریق تعیین امام	۹۷
ه	مشروعیت حاکمیت	۹۹
و	غیبت	۱۰۰

### فصل چهارم: راهکارهای متکلمان امامیه در مواجهه با چالش‌های تقریب میان مذاهب

۱-۴	متکلمان شیعی در مواجهه با چالش‌های تقریب میان مذاهب اهل سنت	۱۰۲
۱-۱-۴	اجتناب از منازعه‌های فرقه‌ای و بیان موارد اشتراک	۱۰۲
۲-۱-۴	همکاری با نهادهای سیاسی حکومت سلجوقی	۱۰۶
۳-۱-۴	تثبیت موقعیت مذهبی با فعالیت‌های فرهنگی	۱۰۸
۴-۱-۴	تقیّه	۱۱۱
۵-۱-۴	هجرت	۱۱۴

- ۱۱۵.....۶-۱-۴ اعتدال و تسامح در مقابل تعصب مراکز علمی عصر
- ۱۱۸.....۷-۱-۴ تقابل خردستیزی و جزم‌اندیشی حنابله و عقلگرایی شیعه
- ۱۲۱.....۸-۱-۴ عملکرد متکلمان شیعی در مواجهه با چالش‌های بحث امامت
- ۱۲۱.....۱-۸-۱-۴ تألیف و تصنیف آثار در اثبات حقانیت امامان معصوم
- ۱۲۴.....۲-۸-۱-۴ کاربرد استدلال‌های عقلی-قرآنی در اثبات حقانیت امامان معصوم
- ۱۲۶.....۳-۸-۱-۴ اثبات وجوب عقلی امامت و امام مشروع
- ۱۲۶.....۱-۳-۸-۱-۴ اثبات وجوب عقلی امامت براساس قاعده لطف
- ۱۲۷.....۲-۳-۸-۱-۴ اثبات وجوب امامت با استناد به پیوند دین و سیاست
- ۱۲۸.....۳-۳-۸-۱-۴ اثبات وجوب امامت بر مبنای اصل حفظ شریعت
- ۱۳۰.....۴-۳-۸-۱-۴ اثبات مشروعیت ولایت امام با استناد به نص
- ۱۳۳.....۴-۸-۱-۴ پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون مسئله غیبت
- ۱۳۶.....۵-۸-۱-۴ مشروعیت همکاری و تعامل با حاکم جائز
- ۱۴۰.....۲-۴ عملکرد متکلمان شیعی در مواجهه با چالش‌های درونی
- ۱۴۰.....۱-۲-۴ دعوت محدثان شیعی به استدلال‌های عقلی و جدال احسن
- ۱۴۵.....۲-۲-۴ احیای تفکر انتقادی و روح استقلال در فهم دین
- ۱۴۶.....۳-۲-۴ ایستادگی در برابر اندیشه‌های انحرافی انشعاب‌های شیعه در مسئله امامت
- ۱۴۸.....۴-۲-۴ آشکار ساختن تفاوت شیعه امامی با دیگر انشعاب‌های تشیع
- ۱۴۸.....۱-۴-۲-۴ مقابله فکری و کلامی با جریان غلو
- ۱۵۲.....۲-۴-۲-۴ موضع‌گیری فکری و کلامی در برابر اسماعیلیان

## ۱۵۹..... منابع و مأخذ

### نمایه‌ها

- ۱۷۱..... نمایه آیات
- ۱۷۳..... نمایه اشخاص
- ۱۸۱..... نمایه مکان‌ها





## مقدمه

تحولات سیاسی برآمده از انحطاط و سقوط دولت شیعی و ایرانی تبار آل بویه و قدرت یابی دولت های سنی مذهب ترک تبار و به دنبال آن، ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت (سلطنت و خلافت)، موجب رشد نفوذ فرقه های اهل سنت، به ویژه اهل حدیث شد و آنان با استفاده از قدرت و نفوذ خویش، چالش هایی برای متکلمان شیعه امامیه در عرصه حفظ و پاسداری از مرزهای عقیدتی و فکری شیعه پدید آوردند. همچنین فضای فرهنگی جامعه تحت تأثیر این جابه جایی قدرت های سیاسی قرار گرفت و مشخصه هایی نظیر تعصب ها و منازعه های فرقه ای، رشد مراکز علمی تک فرقه ای و حکومتی، جموداندیشی و خردستیزی، عملکرد واگرایانه و تک فرقه ای برخی مراکز علمی، رشد جریان های عقل گریز و روی آوردن به تقلیدگرایی بر فضای فرهنگی نیمه سده پنجم تا میانه سده هفتم هجری سایه افکندند و مجموعه این عوامل، عرصه را برای فعالیت آزادانه و منطقی متکلمان شیعی تنگ کردند.

حال این سؤال مطرح است که متکلمان شیعه برای صیانت از میراث شیعه در مواجهه با چالش های یاد شده که بحث تقریب مذاهب را نیز تحت تأثیر قرار می دادند؛ از چه راهکارهایی بهره برده اند؟ متکلمان شیعه، با علم به وضعیت شیعیان در بغداد و ری، به دلیل مجاورت با مراکز سیاسی مذهبی اهل تسنن، تضعیف پشتوانه سیاسی و کسب تجربه از حوادث تلخ منازعه های فرقه ای دریافتند که حفظ میراث شیعه با همگرایی و تفاهم مذهبی میسر است.

از سوی دیگر متکلمان اهل تسنن در عرصه همگرایی شیعه و سنی موضع انفعالی داشتند؛ زیرا ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت و احیای قدرت اهل سنت، رشد نفوذ حدیث گرایان سنی مذهب و عملکرد واگرایانه مراکز آموزشی عصر، تحت عنوان نظامیه ها، سبب

گرایش کمتر اهل تسنن به همگرایی شده بود. از سویی در درون جوامع شیعی نیز تقابل مکتب متکلمان و محدثان، تندروی‌های اسماعیلیه و جریان غلو، این منظور را به چالش می‌کشید.

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و برپایه منابع اسنادی، راهکارهای متکلمان شیعه امامی را در جهت رفع این چالش‌ها، با برقراری تفاهم و کاهش خشونت مذهبی از طریق طرح مشترکات دینی و اجتناب از منازعه‌های فرقه‌ای، همکاری با نهادهای سیاسی و فعالیت فرهنگی، اعتدال و تسامح در مقابل تعصب مراکز علمی عصر، مقابله با خردستیزی و جزم‌اندیشی اهل سنت، تقیه، هجرت، دعوت به جدال احسن و آشکارساختن تفاوت شیعه امامی با دیگر انشعاب‌های تشیع، بررسی و تحلیل می‌کند.

چالش‌های مذهبی، از جمله موضوعاتی‌اند که تأثیری بسیار بر جامعه مسلمانان داشته‌اند، چنان‌که می‌توان ریشه‌های رکود تمدن اسلامی را در تحولات فرهنگی حاصل از این چالش‌ها جستجو کرد. این در حالی است که مسلمانان در بسیاری از مسائل دینی و اعتقادی دارای آرا و نظریات مشترک‌اند که توجه و تأکید بر آنها در حوزه‌های مشترک دینی و اعتقادی، اختلاف و تعصب را از میان می‌برد و زمینه وحدت پیروان مذاهب و پیشرفت تمدن اسلامی را فراهم می‌سازد.

توجه به اصول مشترک مذاهب، به‌ویژه موارد اشتراک‌های کلامی و اعتقادی همواره توجه مجامع علمی و حوزه‌های فرهنگی را به خود جلب کرده است. مباحث کلامی و اعتقادی در قالب علم کلام در عصر آل بویه و سپس عهد سلجوقی دارای بالاترین درجه اهمیت بوده‌اند و متکلمان، پیشوایی شیعه امامیه را برعهده داشتند و این دانش بر فقه و علوم دیگر چیره بود و جهت آنها را معین می‌کرد. در عصر سلجوقی، رسالت متکلمان شیعی در صیانت، اثبات و دفاع از عقاید شیعه امامیه اهمیت بیشتری یافت؛ زیرا پس از ۱۱۳ سال حاکمیت خاندان شیعه‌مذهب آل بویه، حاکمیت سیاسی به دست خاندانی افتاد که با گرایش دینی شیعیان ناسازگار بود و توان نظامی خود را صرف حمایت از نهادهای سیاسی مذهبی اهل سنت می‌کرد.

پژوهش پیرامون کلام اسلامی و عملکرد اندیشمندان این عرصه، از دو نظر درخور بحث و بررسی است: نخست، از نظر درستی و نادرستی و فهم اصول اعتقادی، که از این جهت جزء علوم عقلی است و در دانش کلام باید از آن بحث شود. دوم، از نظر آشنایی به زمان پیدایش و اطلاع بر خلاصه معتقدات فرقه‌های کلامی و تأثیر تحولات تاریخی بر آنها، که مربوط به تاریخ و یکی از شاخه‌های آن تحت عنوان تاریخنگاری کلام است.

در تاریخ‌نگاری‌های معاصر کلام، اعم از آثار متعددی از مستشرقان که به تاریخ‌نگاری کلام اسلامی و شیعی اختصاص دارند؛ همچون فلسفه و کلام اسلامی از مونتگمری وات، کلام و جامعه، از فان اس، فلسفه علم کلام، تألیف ولفسن و آرای کلامی شیخ مفید، نوشته مکدرموت و در جامعه اهل تسنن و به زبان عربی، آثاری همچون *من العقیده الی الثورة*، تألیف حسن حنفی در پنج جلد، *فی علم الکلام*، نوشته احمد محمود صبحی و تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، از عبدالرحمن بدوی و...؛ و در زبان فارسی، اثری همچون *سیر تطوّر کلام شیعی*، تألیف محمدصفر جبرئیلی، همه در توجه و بیان تأثیر تحولات تاریخی در ابعاد سیاسی-فرهنگی بر علم کلام و عملکرد اندیشمندان این عرصه غفلت کرده‌اند. چنان‌که شهید مطهری نیز متوجه فقدان نگاه تاریخی به مباحث علوم اسلامی، همچون کلام شد و کوشید به نگارش و بازخوانی تاریخ فرهنگ اسلامی از جمله تاریخ کلام اسلامی بپردازد.

بحث مورد توجه در این پژوهش، بحث تاریخی در تأثیر و تأثرات اوضاع تاریخی بر عملکرد متکلمان شیعه در عرصه برقراری تفاهم مذهبی و کاهش خشونت‌های مذهبی در محدوده مکانی سرزمین‌های شرق اسلامی و در مقطع زمانی قرن‌های پنج تا هفت هجری است؛ که از این رهگذر در پی بیان عملکرد متکلمان شیعی در تعامل و چالش با تحولات تاریخی در ابعاد سیاسی-فرهنگی است، از این‌رو، جنبه تاریخی بر جنبه کلامی مباحث برتری دارد. براساس این معیارها، در پژوهش پیش رو سه مسئله مهم و محوری، یعنی مقطع زمانی، موضع جغرافیایی و حوزه مطالعاتی اندیشمندان شیعی مشخص شده‌اند.

نخست، حداثت‌های زمانی قرن‌های پنجم تا هفتم هجری در نظر گرفته شده است؛ زیرا این مقطع زمانی در میانه دو دوره آل‌بویه و ایلخانان است که به لحاظ فضای تساهل و تسامح سیاسی-مذهبی با عصر قبل و بعد از خود متمایز به شمار می‌رود؛ زیرا تحولات سیاسی و فرهنگی عصر تسلط ترکان، به سوی جزم‌اندیشی و جمود فکری سمت‌وسو یافت و نحوه مواجهه اندیشمندان شیعه با این فضای فکری درخور بحث و تأمل است. از این‌رو، بررسی تحولات یاد شده به لحاظ تأثیرگذاری بر روند فعالیت علمی اندیشمندان شیعی در عرصه تقریب مذاهب، اهمیت دارد.

دوم، گزینش سرزمین‌های شرق جهان اسلام به عنوان موضع مکانی است که در منابع تاریخی منظور از آن، سرزمین بین‌النهرین و ایران، تا دورترین مرزهای شرقی آن در خراسان و فرارود است. انتخاب این موضع مکانی به دلیل محدود ساختن حوزه مطالعاتی و وجه اشتراک

این مناطق در تحولات سیاسی-فرهنگی این مقطع زمانی است. از طرفی، کانون عمده حضور شیعیان امامی در ممالک شرق اسلامی، به‌ویژه ایران و عراق بوده است و در پژوهش پیش رو تمرکز مباحث بیشتر در این دو حوزه است؛ زیرا عمده مراکز کلامی همچون ری، کاشان، قم، نجف، حله و بغداد، در ایران و عراق واقع بوده‌اند.

سومین مسئله، بررسی عملکرد متکلمان شیعه امامی در مواجهه با چالش‌های تقریب مذاهب قرن‌های پنجم تا هفتم هجری است. علت پرداختن به این گروه از اندیشمندان شیعه، جایگاه ممتاز کلام در این برهه زمانی است؛ چنان‌که مقارن با قرن پنجم هجری، زعامت شیعه در دست متکلمان شیعی قرار داشت. از این رو، عملکرد آنان در وضعیت سیاسی و فرهنگی پدید آمده، در سرنوشت شیعیان تأثیرگذار بوده است.

بر پایه این مقدمه، هدف اصلی پژوهش پیش رو، بررسی و اثبات سه فرضیه است:

۱. تحولات سیاسی حاصل از انحطاط و سقوط دولت شیعی مذهب و ایرانی‌تبار آل بویه و قدرت‌یابی دولت‌های سنی مذهب ترک‌تبار و به دنبال آن، ائتلاف نیروهای سیاسی مذهبی اهل سنت (سلطنت و خلافت)، چالش‌هایی برای متکلمان شیعه امامیه در راستای حفظ و پاسداری از مرزهای عقیدتی و فکری شیعه پدید آورند.

۲. عملکرد واگرایانه و تک‌فرقه‌ای برخی مراکز علمی، رشد جریان‌های عقل‌گریز و روی آوردن به تقلیدگرایی در فضای فرهنگی نیمه سده پنجم تا نیمه سده هفتم هجری بر نحوه عملکرد متکلمان شیعی در عرصه فعالیت‌های علمی تقریب مذاهب تأثیر گذاشت.

۳. متکلمان شیعه امامی در جهت رفع این چالش‌ها، از راه طرح مشترکات دینی و اجتناب کردن از منازعه‌های فرقه‌ای، همکاری با نهادهای سیاسی و فعالیت فرهنگی، اعتدال و تسامح در مقابل تعصب مراکز علمی عصر، مقابله با خردستیزی و جزم‌اندیشی اهل سنت، تقیه، هجرت، دعوت به جدال احسن و آشکار ساختن تفاوت شیعه امامی با دیگر انشعاب‌های تشیع، در صدد ایجاد فضائی باز و عاری از خشونت مذهبی برای برقراری تفاهم مذهبی و کاهش خشونت‌های مذهبی در جهت تبیین و دفاع از عقاید شیعه بودند.

پژوهش پیش رو، پس از بررسی کوتاهی درباره وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا هفتم هجری در فصل اول، در فصل دوم، به چالش‌های تاریخی ایجاد شده از سوی اهل سنت در مسیر تقریب مذاهب پرداخته است. بدین منظور، نخست تغییر و تحولاتی که در بستر سیاسی شرق جهان اسلام، عرصه تقریب مذاهب و به تبع آن، عملکرد متکلمان

شیعه را در عرصه تبیین و دفاع از عقاید شیعه به چالش کشیده‌اند، شناسایی می‌شود. این بحث در ابتدای فصل دوم، ذیل تحولات سیاسی قرن‌های پنجم تا هفتم هجری و در قالب مبحث قدرت‌یابی ترکان و ائتلاف نیروهای سیاسی-مذهبی اهل سنت مطرح شده است. سمت و سوی مباحث در جهت راستی آزمایی فرضیه نخست پژوهش، پیرامون تأثیر اوضاع سیاسی بر عملکرد متکلمان شیعی است. همچنین در ادامه بررسی چالش‌های تقریب مذاهب، تغییر و تحولاتی فرهنگی و تأثیر آنها بر فضای کلامی، تحت عنوان رقابت‌ها و منازعه‌های فرقه‌ای، در قالب رقابت و منازعه‌های کلامی درونی اهل سنت و سپس میان شیعه و اهل سنت، پیدایش مراکز علمی تک‌فرقه‌ای و حکومتی، تقابل عقلگرایی شیعی و گذشته‌گرایی سنی، بررسی شده‌اند. این مبحث نیز برای راستی‌آزمایی فرضیه دوم پژوهش پیرامون تأثیر فضای فرهنگی بر فعالیت‌های علمی تقریب مذاهب است.

فصل سوم، به چالش‌های درون مذهبی در زمینه تقریب مذاهب پرداخته است که عبارت‌اند از: رویارویی دو جریان نقل‌گرایی و عقلگرایی، چالش‌های موجود در عرصه مراکز آموزشی شیعه و جریان غلو، به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در تخریب چهره شیعه و سرانجام، تندروی‌های اسماعیلیان که این دو مورد آخر، زمینه اتهام‌ها و هجمه‌های معاندان و مغرضان نسبت به شیعه و بروز تنش‌های مذهبی را مهیا ساختند.

فصل چهارم، به راهکارهای متکلمان شیعه در مواجهه با مسائل چالش‌ساز، حاصل از اوضاع سیاسی-فرهنگی در عرصه تقریب مذاهب اختصاص دارد. بنابر گزارش‌های تاریخی، یکی از ویژگی‌های تشیع امامی در قرن ششم و هفتم هجری، گرایش به اعتدال در شاخه شیعه اصولی است؛ زیرا با ظهور حکومت سلجوقی در عرصه جهان اسلام و در پی حمایت فرمانروایان دوره نخست سلجوقی، یعنی طغرل، آلب‌ارسلان و ملک‌شاه از مذهب تسنن، اوضاع سختی برای شیعیان رقم خورد، چنان‌که امکان تحرکات کنشگرانه و نیز تکاپوی علمی، عقیدتی، سیاسی و نظامی از آنان گرفته شد. از این‌رو، شیعیان امامیه برای مصونیت در برابر خطرهای احتمالی، در مواجهه با جامعه اهل تسنن، جوانب احتیاط را رعایت کردند و برای اجتناب از درگیری با سنیانی که دارای اکثریت بودند، اندیشه‌های شیعه را به رویه اعتدال مطرح کردند. اثر مهم النقص، تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی در قرن ششم هجری که نمونه بارز این گرایش اعتدالی است، بیانگر پیدایش اصطلاح «شیعه اصولی» از عصر سلجوقی است. شاید بتوان گفت این تشیع اعتدالی از سوی شاگردان بی‌واسطه و باواسطه شیخ طوسی در ایران و

عراق بنیان‌گذاری شده است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶۰۶). این گرایش در راستای تقریب شیعه و سنی برای حفظ مکتب تشیع بسیار ارزشمند بوده است.

بر این اساس، راهکارهای متکلمان شیعی در مواجهه با چالش‌های تقریب مذاهب قرن‌های پنجم تا هفتم هجری، در قالب تلاش برای ایجاد تفاهم مذهبی و کاهش خشونت مذهبی در نظر گرفته شده‌اند. بدین‌گونه که نحوه مواجهه متکلمان شیعی با چالش‌های اهل سنت در قالب اجتناب از منازعه‌های فرقه‌ای و بیان مشترکات، همکاری با نهادهای سیاسی حکومت سلجوقی و فعالیت فرهنگی، تقیه و هجرت، اعتدال و تسامح در مقابل تعصب مراکز علمی عصر و مقابله با خردستیزی و جزم‌اندیشی حنابله و سپس راهکارهای آنان در مواجهه با چالش‌های درون‌مذهبی تشیع در قالب دعوت محدثان شیعی به جدال احسن، مقابله فکری و کلامی با جریان‌های انحرافی، همچون جریان غلو و اسماعیلیان بررسی شده است. از رهگذر مباحث این فصل، زمینه راستی‌آزمایی و اثبات سومین و آخرین فرضیه پژوهش مهیا شده است که درباره راهکارهای متکلمان شیعه امامی در راستای ایجاد فضائی باز و عاری از خشونت مذهبی برای تبیین و دفاع از عقاید شیعه است.

کوتاه سخن آنکه، مجموع فصل‌های چهارگانه، در پی رسیدن به این پرسش اساسی و کلی است که راهکارهای متکلمان شیعه امامی در مواجهه با چالش‌های تقریب مذاهب در سرزمین‌های شرق اسلامی در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری چه بوده‌اند؟ امید است این مجموعه بتواند گامی هرچند کوتاه در فهم بهتر حقیقت بردارد.

## فصل اول

### درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری

#### ۱. جایگاه و کارکرد علم کلام

علم کلام در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری دارای جایگاهی درخور توجه بوده است. در این دوره، زعامت و پیشوایی دینی و علمی شیعیان را متکلمانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی برعهده داشتند. فخر رازی از متکلمان قرن ششم هجری، در کتاب خود به نام *جوامع العلوم*، نخست به علم کلام به عنوان ملکه علوم توجه دارد؛ زیرا در باور وی، علم کلام زیر بنای همه علوم بوده است و بلافاصله پس از علم کلام به علم فقه می‌پردازد که نشان دهنده اهمیت است که فخر رازی برای تبیین شریعت اسلامی قائل بوده است. وی در ادامه به شاخه‌های علم کلام و علم فقه توجه می‌کند. او این علوم را برای درک بهتر و دقیق از دین اسلام و شریعت محمدی لازم می‌داند که فرد مسلمان باید آنها را فراگیرد تا به درک درستی از اسلام دست یابد (فخر رازی، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۷).

آنچه سبب جایگاه بالای علم کلام در میان علوم شده، کارکردهای این علم در جامعه اسلامی است. در آن عصر نیز علم کلام از جهت موضوع، هدف و غایت، بر دیگر علوم اسلامی برتری داشت؛ زیرا موضوعات، مبادی، مسائل، غایات و فواید این علم با سعادت و رستگاری انسان سروکار دارد و از اسباب دعوت به حق و ارشاد و راهنمایی افکار هدایت‌جو و حقیقت‌طلب بوده است (فارابی، ۱۳۶۴: ۱۰۷). علم کلام، متکلمان شیعه را قادر می‌ساخت تفسیرها و توجیه‌های گذشتگان و اهل سنت در امور دینی را تأیید یا رد کنند (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۳۲-۹۳۳) و با شبهات مخالفان دین و نوآوری بدعت‌گذاران دین مقابله کنند (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۶۲).

در دوره یاد شده، کارکردهای علم کلام را گاه عواملی از درون یا بیرون به چالش‌ها می‌کشید. از آفت‌های کلام اسلامی، برخی مربوط به ماهیت این علم‌اند؛ نظیر اینکه اصولاً متکلمان می‌کوشند از نتیجه، به مقدمات برسند. آنان سبک، روش، مقدمات و ادله را فقط به چشم ابزار و وسیله‌ای می‌بینند که در راستای اثبات و دفاع از انگیزه‌ها کاربرد دارند. به سخن دیگر، متکلمان اندیشه‌های خود را نه تابع وجود، بلکه وجود را تابع اندیشه‌های خود می‌دانند (ابن‌میمون، ۱۹۷۲ م: جزء اول، فصل ۷۱: ۶-۱۸۵).

بخشی از آفت‌ها و چالش‌ها پیش روی علم کلام، مربوط به قرارگیری آن در بستر اوضاع جامعه اسلامی است؛ چنان‌که علم کلام در نخستین دوره‌های تاریخی خود، بیشترین مسائل خود را از بستر سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی گرفت. از این‌رو، گاه هدف از مباحث اعتقادی رسیدن به حقیقت نبود و بحث‌کنندگان به‌ویژه در مقام گفتگو و مناظره با دیگر مذاهب، عدل و انصاف و اخلاق خوب را رعایت نکرده و هدف از کاربرد علم کلام را نه کسب حقیقت، بلکه چیره شدن بر طرف مقابل و استفاده ابزاری می‌دانند. همین انگیزه سبب شد که کلام، ابزاری در دست حاکمان باشد تا مخالفان خود را سرکوب کنند و همین امر، زمینه و اسباب تضعیف یا تقویت فرقه‌های کلامی را به دلایل خاص سیاسی و اجتماعی، برای سیاست‌مداران حاکم بر بلاد اسلامی فراهم آورد.

بنا بر گزارش منابع تاریخی در آغاز قرن چهارم هجری، با سستی یافتن قدرت خلافت به دلیل قدرت‌یابی آل‌بویه و سر برآوردن قدرت‌های محلی در گوشه و کنار دنیای اسلام، مذاهب و عقاید گوناگون عرصه نمایش پیدا کردند و بازار فرهنگ و مذهب رونق یافت. شیعه نیز پس از مدت‌ها تحمل رنج و در پیش گرفتن تقیه، فرصت یافت که به صحنه آید و به نشر صریح‌ترین عقاید و افکار خود بپردازد. ولی با قدرت یافتن ترکان، به‌ویژه در مقطع زمانی نیمه سده پنجم تا سال‌های آغازین سده ششم هجری، به علت فشارهای شدید حکومتی بر ضد شیعیان، به‌ویژه از سوی سلاطین دوره نخست سلجوقی و وزرای آنان، همچون عمیدالملک کندی و نظام‌الملک طوسی، کمتر شاهد رونق مدارس کلامی شیعه و تشکیل مجالس و مباحثه‌های علمی و در نتیجه تدوین آثار کلامی نو و بدیع هستیم.

وضعیت فرهنگی دوره یاد شده نیز کارکرد متکلمان شیعی را به چالش می‌کشید. براساس گزارش‌های تاریخی، کلام شیعه در حالی وارد قرن ششم هجری شد که مکتب شیعه درگیر دوره‌ای به نام «مقلده» بود. تا قرن پنجم هجری، کلام امامیه بیشتر در قالب اسلوب‌های



درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۹

کلامی دو مکتب کلامی قم و بغداد، مطرح بود؛ تا اینکه در نیمه دوم قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری با ظهور متکلمانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، مدرسه کلامی بغداد بر قم غالب آمد. از این رو، نخست قم به دلیل درگیری‌های سیاسی و مذهبی (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۱-۲۲۵) و سپس مدرسه کلامی بغداد، به واسطه تسلط ترکان سلجوقی بر بغداد، رونق خود را از دست دادند. پس از آن، مراکز دیگر شیعه، مانند نجف، ری و حلّه میراث‌بر این دو مکتب شدند و دوره‌ای به نام دوره «مقلده» از وفات شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) آغاز شد و تا ظهور محمد بن ادریس حلی و تدوین کتاب السرائر (م ۵۸۸ق) ادامه یافت (صدر، ۱۳۹۵: ۶۳).

نقل است که: در این دوره برای امامیه هیچ مفتی از روی تحقیق باقی نمانده بود، بلکه همه علما حاکمی و ناقل اقوال و آرای شیخ بودند (شهید ثانی، ۱۳۰۰: ۱۷۹).

محققان در باب علت این رکود نظریات مختلفی داده‌اند؛ از جمله شخصیت زدگی عالمان شیعی، به واسطه برجستگی و اقتدار علمی شیخ طوسی در علوم اسلامی بود که عالمان شیعه پس از او، به دلیل اعتقاد و حسن ظن فراوان به شیخ طوسی، از نظر و آرای شیخ تقلید می‌کردند (محقق کرکی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۱۸). فعالیت علمی علمای شیعه در این عصر، از شرح‌نگاری و حاشیه‌نویسی و گاه نقد کارهای شیخ طوسی، فراتر نرفت. خضوع علمای شیعه در برابر دیدگاه‌ها و نظریات شیخ طوسی تا جایی پیش رفت که علمای قرن ششم، برخی احکام را به این دلیل که شیخ و پیروانش به آن عمل کرده‌اند، حجت دانستند. در حالی که بسیاری از این احکام بنا به مقتضیات و اوضاع زمان بودند. سرانجام با مجاهدت و تلاش‌های علمی برخی علما، همچون ابن زهره، سدید الدین حمّصی، ابی الصلاح حلبی و با توانایی و قدرت اجتهاد ابن ادریس حلی (ابن ادریس حلی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، مقدمه: ۸)، دوران جدیدی از رشد و شکوفایی مکتب علمی شیعه پایه‌گذاری شد.

پس از یک دوره ظهور متکلمان برجسته، همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و ظهور نیافتن شخصیتی صاحب مکتب و هم‌سطح علمی آنان در حوزه کلام در دوره بعد، سبب شد در حوزه کلام نظریه جدیدی مطرح نشده و نظریات پیشینیان به چالش کشیده نشود (شهید ثانی، ۱۳۰۰: ۱۷۹).

سرانجام باید به رشد سنت‌گرایی اهل سنت تحت تأثیر جموداندیشی و خردستیزی حنابله و پیوندهای نزدیک تصوف با مذهب‌های شافعی و اشعری اشاره کرد که عامل نبودن گفتگو و

تضارب آرا و افکار علمای فریقین شده بود و این امر خود سبب می‌شد نظرها و افکار جدیدی پدید نیایند.

## ۲. روش‌های کاربردی متکلمان شیعه

متخصصان هر علمی از روشی خاص برای رسیدن به‌غایت خود استفاده می‌کنند ولی علم کلام به اقتضای رسالت‌های گوناگونی که دارد، از روش‌های مختلف بهره می‌گیرد؛ زیرا دانش کلام با عموم مردم ارتباط دارد و عقاید آنان را سامان می‌بخشد و از آنجا که مخاطبانش از لحاظ قدرت فکری در یک سطح نبودند و لازم بود از روش‌های مختلف که متناسب با افراد گوناگون از نظر روحیات، افکار و اعتقادات است استفاده شود، متکلمان شیعه در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری نیز در راه تبیین و دفاع از عقاید شیعه، روش‌های مختلف نقلی، عقلی، نقلی و عقلی، فلسفی به کار بردند.

در عصر حضور امامان، کلام شیعه توأمان رویکرد عقلی و نقلی داشت. پس از غیبت صغرا (۳۲۹ق) تا فوت شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، بسیاری از شیعیان به روش نقلی روی آوردند و از مباحثات و مناظرات عقلی دوری کردند و نظر خوشی به متکلمان عقلگرای شیعی نداشتند؛ اما از اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هجری، متکلمانی چون شیخ مفید (م ۴۱۳ق) سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) بار دیگر به روش عقلی و کاربرد عقل در بحث‌ها و مناظرات کلامی روی آوردند (کیانی فرد، ۱۳۹۳: ۴۰).

اختلاف این دو رویکرد از آن روی بود که مدار کار کلامی‌ها، اجتهاد و بهره‌گیری از عقل بود و مبنای کار محدثان، خبر و پرهیز از اجتهاد. البته اعتدال علمای شیعه در کار بست عقل و استناد به نصوص دینی و وجود روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و همچنین اقلیت بودن جمعیت شیعه امامیه نسبت به اهل تسنن، از بروز افراط و اختلاف میان این دو رویکرد می‌کاست. همین، سبب شد شکافی که میان فرقه‌های تسنن وجود داشت؛ در میان گرایش‌های شیعی، نظیر نص‌گرایی و خردگرایی تشیع، دیده نشود. چنان‌که از قرن سوم به بعد میان مکاتب اهل تسنن، اشاعره بیشتر تمایل به‌گزینش نقل داشتند، معتزله متمایل به انتخاب عقل و اهل حدیث نیز اصلاً عقل را به شمار نمی‌آوردند. ولی شیعه با تعدیل عقلگرایی معتزله و گرایش تفریطی اهل حدیث و اشاعره، هر دو عنصر عقل و وحی را در نظامی پویا به کار گرفته است. از این رو، کلام شیعه در قرن‌های پنجم و ششم هجری، ساختاری منسجم یافت و رویکرد عقلی در آن بر نص‌گرایی دوره پیشین

درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۱۱

غالب بود؛ رویکرد عقلگرایی در کلام، یعنی تبیین اجتهادی و کاویدن ظرایف اصول دین با بهره‌مندی از قواعد و سنن قابل قبول عقلی و مآثورات دینی به دور از تأثر از اندیشه‌های فلسفی و عرفانی (ملکی میانجی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۹۸).

ویژگی اصلی روش عقلگرایی متکلمان شیعه، اعتدال و میانه‌روی است؛ زیرا میان عقل و نقل، حد وسط را گرفتند و آن دور را باهم جمع کردند. شیخ مفید، بنیان‌گذار رویکرد عقلگرایی، «مؤسس کلام میانه» لقب گرفته است که در مقابل کلام متقدم، یعنی نص‌گرایی شیخ صدوق و کلام فلسفی نوبختی‌ها قرار داشت. او باهدف اصلاح استدلال‌ات عقلی متکلمان پیشین (نوبختی‌ها) و روی آوردن به روشی میان استدلال عقلی و تفسیر ادله نقلی، به طرح و تأسیس و تبیین این روش اقدام کرد (سبحانی، ۱۳۷۹: ۴۵۰؛ پاکتچی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۳۲۴). دلیل عدول او از مواضع نوبختی‌ها، گاه استدلال‌های عقلی و پرهیز از مواضع افراطی و گاه پیروی از اخبار ائمه اطهار علیهم‌السلام است (پاکتچی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۱۶۵).

چنان‌که پیشتر گفته شد، در دوره غیبت تا پیش از دوره شیخ مفید، تفکر نص‌گرایی اهل حدیث حاکم بود. نص‌گرایان در مسائل کلامی و فقهی به استفاده از عقل توجه چندانی نداشتند. کار آنان دریافت حدیث، نقل آن و حداکثر تبویب و تنظیم آن، خلاصه می‌شد. ابن‌قبة رازی (م ۳۱۹ق) کوشید با رویکرد عقلگرایی، به مباحث کلامی بپردازد اما با توجه به سیطره نص‌گرایی، او چندان موفق نبود. زمان شیخ مفید اما موقعیت متفاوت بود؛ او برای گشودن راه استدلال و برهان و کاربرد عقل در کلام و فقه، تلاشی گسترده کرد؛ از این‌رو روش عقلگرایی از سوی شیخ مفید پا گرفت و به‌واسطه شاگردان برجسته او ادامه یافت. عالمانی همچون سید مرتضی، با کتاب الذخیره و دیگر کتاب‌ها و رساله‌های کلامی خود، ابوصلاح تقی بن نجم حلبی (م ۴۴۷ق)، با تقریب المعارف، ابوالفتح محمد کراچکی (م ۴۴۹ق)، در کنزالفوائد و شیخ ابوجعفر محمد طوسی، با تمهید الاصول و دیگر آثار کلامی خود و سدیدالدین محمود حمّصی رازی با المنقذ من التقليد، همگی با حفظ استقلال رأی ولی با هماهنگی کامل آرا، در مسائل اصولی و بنیادی، در راستای رویکرد کلامی استاد خویش گام برداشتند.

عبدالجلیل قزوینی، صاحب کتاب النقض، از پیروان این گروه است و از آنان با عناوین شیعه اصولیه و عقلگرایان استدلالی، یاد می‌کند (پاکتچی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۱۶۶). نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن حسن (م ۶۷۶ق)، مؤلف المسلك فی اصول‌الدین، از آخرین پیروان این روش در قرن هفتم هجری است.

دستاورد‌های روش عقلگرایی تأویلی متکلمان شیعی در قرن‌های پنجم و ششم هجری عبارت بودند از:

۱. هویت بخشی و استقلال به کلام شیعه: یکی از عواملی که گسترش و امداد شدن کلام شیعی به کلام اعتزال را در پی داشت، بهره‌مند نبودن کلام شیعی از هویتی مشخص و نظامی مدون بود. شیخ مفید که به این نکته کاملاً آگاه بود، توانست کلام شیعی را که بنیانش از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام و شاگردان ایشان مانند هشام بن حکم، عبدالعظیم حسنی، فضل بن شاذان و دیگران پی‌ریزی شده بود، به شکلی منظم، بدیع و مستقل از معتزله و دیگر مکاتب کلامی رایج آن عصر درآورد.

۲. ابداع و تأسیس روش جمع عقل و نقل: پیش از شیخ مفید، متکلمان شیعی یا گرایش به عقلگرایی معتزلی داشتند - مانند نوبختی‌ها -، یا نص‌گرا و کم‌توجه به عقل بودند - مانند شیخ صدوق -؛ هرچند کسانی که روش اعتدال میان آن دو را داشتند نیز بوده‌اند، شیخ مفید که سرآمد عقلگرایان بود، با ابداع روش «عقلگرایی تأویلی» با ضوابط و معیارهای برگرفته از قرآن و سنت، روش معتدل و فراگیر در جمع میان عقل و نقل را ابداع کرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۵۷۷-۶۰۵).

کلام شیعه در قرن‌های پنجم و ششم هجری، بیشتر سبک و روشی جدلی داشت و در مقابل فلسفه مطرح بود. تا اینکه در قرن هفتم هجری، خواجه نصیرالدین طوسی، با تألیف کتاب تجرید الاعتقاد، علم کلام را تا حد بسیار از سبک حکمت جدلی، به حکمت برهانی نزدیک ساخت و با ورود مباحث فلسفی به کتاب‌های کلامی تحرک تازه‌ای به این علم بخشید.

البته پیش از آن، کلام شیعه ضمن آنکه اصول و قواعد خود را در حضور و حیات امامان شیعه علیهم‌السلام ریخته و مواضع اعتقادی خود را تحکیم کرده و کامل ساخته بود؛ با فلسفه و تفکر عقلی نیز ارتباط برقرار کرد. از آنجا که متکلمان شیعه با امامت محوری و حکمت‌اندیشی، فلسفه را در کلام خود وارد کردند؛ از این‌رو، نسبت کلام شیعه با علوم فلسفی در حکمت‌اندیشی و امامت‌محوری جلوه کرده و امور دیگر تابع آن به شمار می‌رود (دیباجی، ۱۳۸۴: ۲۰۷). در حالی که کاربرد فلسفه، از سوی معتزله به افراط کشیده شد، تا بدانجا که برخی اهل حدیث و سنت به مقابله با آمیختگی باورهای دینی با علوم فلسفی برخاستند و مکتب کلامی اشاعره حاصل این مقابله بود؛ اما همین نحله نیز در طی دوره تحول و پیشرفت خود تا زمان امام فخر رازی به تَفَلُّسُ دچار شد. سرانجام در زمان مؤلف کتاب *المواقف فی علم الکلام*، قاضی عضدالدین ایجی (م ۷۵۶ق)، علم کلام به دلیل اختلاط کامل با فلسفه، جوهر حیاتی

درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۱۳

خود را از دست داد (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۴۷-۹۴۸، شریف و پورجوادی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۴۲؛ ج ۲: ۱۲، ۱۷، ۸۳-۸۴).

پیش از قرن هفتم و ظهور خواجه نصیرالدین، افرادی از خاندان نوبختی همچون ابوسهل نوبختی، مؤلف التنبیه فی الامامة و ابومحمد حسن نوبختی، مؤلف فرق الشیعه و ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت، مؤلف الیاقوت فی علم الکلام، مباحث کلامی را در قالب فلسفی مطرح کردند. پس از خاندان نوبختی، متکلمان امامی به فلسفه و استفاده از آن در مباحث اصلی کلام چندان روی خوش نشان نمی‌دادند؛ اما با ظهور خواجه طوسی (م ۶۲۷ق) و البته ضرورت و مقتضیات زمان، کلام شیعی نیز سیر فلسفی شدن خود را به اوج رساند و پیش از پیش به فلسفه نزدیک شد (مطهری، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۵۰ و ۱۵۵، ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۲-۲۳). خواجه نصیر، با استفاده از عقل و با بهره‌برداری از قواعد و اصول فلسفی، ضمن پای‌بندی به کتاب و سنت، به مباحث کلامی پرداخت. در این مرحله کلام هویت جدیدی یافت و افزون بر تکیه بر آیات و روایات، بر استدلال برهانی نیز استوار شد. برای مثال، خواجه طوسی، مباحثی مانند توحید و معاد را که موضوع آنها با فلسفه مشترک است، با روش‌های برهانی اثبات کرد (فیاضی، ۱۳۸۴: ۸۷). کتاب تجرید الاعتقاد خواجه، نه تنها کلام شیعه، بلکه متکلمان اهل سنت دوران پس از خود را نیز تحت تأثیر قرار داد (طبری، ۱۳۷۶: ۱۷).

خواجه نصیرالدین، از مجرای کاربست روش فلسفی، به کلام شیعه خدمات ارزنده‌ای کرد. وی با نگارش کتاب تجرید الاعتقاد، برخلاف گذشتگان، فقط به بررسی گزاره‌های دینی و تبیین باورهای مذهبی و دفاع از حوزه دین اکتفا نکرد، بلکه به تدوین منطقی و زیر بنای این اندیشه‌ها پرداخت. او با بهره‌گیری از حکمت مشاء، بخش امور عامه فلسفه را در گزاره‌های کلامی وارد کرد؛ زیرا می‌دانست با فقدان یک مبنای صحیح فلسفی نمی‌توان گزاره‌های کلامی را بررسی کرد و از این‌رو، با این طرح نو، بنیادی رفیع را در حکمت و کلام شیعی پایه‌گذاری کرد (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۳: ۸۸)؛ زیرا فلسفه، برخلاف کلام فقط از برهان (در صورت) و یقینات (در ماده) استفاده می‌کند؛ علم کلام به مرور از سبک خود خارج شده و رنگ و بوی برهانی به خود گرفت (مطهری، ۱۳۷۵: ۵۲؛ الشیبی، ۱۳۸۶: ۹۶).

به سبب اهمیت کتاب تجرید الاعتقاد، هر متکلمی که پس از خواجه نصیر آمد، به کتاب وی توجه داشت. افزون بر شرح معروف علامه حلی با نام کشف المراد، می‌توان به شرح‌های دیگری اشاره کرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: شرح شمس‌الدین محمود عبدالرحمن

۱۴ بررسی تاریخی چالش‌های فراروی متکلمان امامیه با تکیه بر مسئله تقریب مذاهب

اصفهان‌ی (م ۸۴۶ق)، شرح قوشچی (م ۸۷۹ق) با نام مواقف، شرح عبدالرزاق لاهیجی، موسوم به شوارق الالهام.

همچنین خواجه طوسی با تألیف شرح اشارات و تنبیهات، به بسیاری از اشکال‌ها و انتقادهای فخر رازی بر فلسفه مشای ابن‌سینا پاسخ داد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۷۰) و با این کار در احیای فکر فلسفی، به‌ویژه نسبت به مکتب مشای نقش مهمی ایفا کرد (نصر، ۱۳۸۲: ۲۰۲ و ۲۲۹).

از شخصیت‌های مهم کلام فلسفی در مقطع زمانی قرن‌های پنجم تا هفتم هجری، می‌توان به ابواسحاق ابراهیم نوبختی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی (م ۴۶۶ق) مؤلف فوائد المرام اشاره کرد. در این مقطع زمانی شاهد حضور و استمرار کلام نقلی نیز هستیم که در مقابل گرایش‌های فلسفی و معتزلی ایستادگی می‌کرد. نمونه بارز آن در مرحله قبل، شیخ صدوق و شیخ کلینی و نمونه آن در قرن هفتم هجری سید ابن طاووس هستند.

### ۳. حوزه‌های کلامی شیعه در قرن‌های پنجم تا هفتم هجری

با نگاهی به منابع تاریخی، می‌توان دریافت که شیعیان در این دوره، هرچند به لحاظ سیاسی و اجتماعی در محدودیت بسیاری بودند، اما در شهرهایی که تجمع داشتند، به تأسیس مدرسه‌ها و حوزه‌های علمیه اقدام کردند؛ زیرا با شروع غیبت کبرا، مسئولیت و نقش دانشمندان دینی در موضوع آموزش برجسته شد؛ به‌ویژه متکلمان که وظیفه حفظ و دفاع از میراث مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) را برعهده داشتند. پشتوانه‌های مادی و معنوی مردمی و حمایت برخی از وزیران و افراد صاحب نفوذ شیعه که در نظام حکومت حضور داشتند، پشتیبان مراکز علمی و آموزشی بودند. در ادامه به مهم‌ترین حوزه‌های کلامی شیعه و مشخصه‌های اندیشه‌ای آنها در این عصر اشاره می‌شود:

#### ۳-۱. قم

شهر قم، تا اوایل قرن پنجم هجری رونق داشت و پس از آن به دلیل وجود درگیری‌های سیاسی و مذهبی، رو به افول و ویرانی نهاد و رونق فرهنگی خود را از دست داد. به همین دلیل اطلاعات ما درباره وضعیت کلامی قم در این عصر اندک است. ولی گفته صاحب‌الکتاب النقض در این باره که اگر بخواهد همه مدرسه‌های قم و دیگر شهرهای ایران را نام ببرد، کتاب طولانی می‌شود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴)، بیانگر وجود مراکز آموزشی متعدد در این شهر است.

درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۱۵

به هر حال، میراث کلامی مکتب قم با افول آن از میان نرفت، بلکه در مدارس دیگری همچون ری و حلّه تداوم یافت. پیدایش جریان‌های مخالف همچون مکتب بغداد نیز بیانگر اهمیت این مکتب کلامی در تاریخ اندیشه امامیه است.

### ۳-۲. بغداد

در قرن چهارم هجری، بغداد به دلیل تسلط آل بویه بر این شهر و حمایت آنها از شیعیان و ظهور متکلمان بزرگی همانند شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، در قامت یک نهاد فرهنگی ظهور یافت. بر این اساس، از نیمه پایانی قرن چهارم، شیعیان امامی جایگاه اجتماعی خود را بازیافته و مرکزیت حوزه علمیه شیعه، با مدیریت و مرجعیت متکلمان شیعه پدید آمد و هویت فکری شیعه تثبیت شد (سبحانی، ۱۴۱۸: ۲۴۸).

شیخ مفید تا سال ۴۱۳ق، بر حوزه علمیه زعامت داشت. پس از این، مدیریت حوزه شیعه برعهده سید مرتضی (م ۴۳۶ق) بود و پس از سید مرتضی، مدیریت حوزه شیعه در دستان توانمند شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) قرار گرفت. شیخ طوسی به مدت دوازده سال در بغداد سرپرست حوزه علمیه بود. او با توانایی علمی که داشت، بر رشد و شکوفایی حوزه افزود و نوآوری مهمی در کلام پدید آورد.

نخستین ویژگی بارز این حوزه، مدیریت، جایگاه علمی و موقعیت متکلمان برجسته‌ای همچون شیخ مفید، سپس سید مرتضی و آنگاه شیخ طوسی بود. مجالس تدریس و املاء و مناظره‌ها این عالمان به گونه‌ای منظم برگزار می‌شد (رضوی، ۱۴۱۳، ش ۶۷: ۳۵). کارکرد مهم حوزه بغداد در رویکرد عقلی و اجتهادی آن بود، که وجه تمایز آن حوزه با مدرسه قم به شمار می‌رفت. در قرن چهارم و پنجم هجری، مکتب حدیثی قم در مقابل مکتب عقلگرای بغداد قرار داشت. با ظهور شیخ مفید و شاگردانش -سید مرتضی و شیخ طوسی- و با تلاش‌های فراوان آنان، مکتب حدیثگرای قم و در نتیجه حوزه آن، رو به افول نهاد و مکتب عقلگرای بغداد، تفکر مسلط در جامعه علمی شیعه شد. از متکلمان تأثیرگذار شیعه در حوزه بغداد، در این دوره، می‌توان به ابن شهر آشوب و سید ابن طاووس اشاره کرد.

### ۳-۳. نجف

پس از سقوط آل بویه و تسلط سلجوقیان بر بغداد، اوضاع برای شیعیان و شیخ طوسی دشوار و آشفته شد. نبود امنیت در بغداد موجب شد که شیخ طوسی و در پی آن حوزه علمیه شیعه به نجف منتقل شوند. با ورود شیخ طوسی به نجف، بسیاری از طالبان علم به این شهر هجرت کردند. شیخ طوسی تا هنگام وفات (۴۶۰ق) مدیریت حوزه نجف را برعهده داشت. پس از شیخ، این مسئولیت به دست فرزند و شاگرد برجسته‌اش، ابوعلی طوسی قرار گرفت، ولی عملاً پس از شیخ طوسی حوزه نجف چیزی جز آرا و نظریات شیخ نداشت و به دلیل تقلید صرف علما از آرای شیخ، حوزه نجف دچار رکود علمی شد.

پس از فتنه و درگیری‌ها میان شیعه و سنی در بغداد و مهاجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف، شاگردان مدرسه بغداد همه، همراه شیخ به نجف کوچ نکردند، از این رو، پس از شیخ یک خلأ فرهنگی و علمی برای شیعه پدید آمد که موجبات رکود علمی را فراهم ساخت، از یک سو مدرسه بغداد، استاد ماهر خود، شیخ طوسی را از دست داده بود و از سوی دیگر، مدرسه نو پای نجف هنوز کاملاً به بار ننشسته بود (صدر، ۱۳۹۵: ۶۴).

بغداد، مرکز خلافت اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، افزون بر اینکه بر بخش اعظم دنیای اسلام حکومت داشت، از لحاظ علمی و فرهنگی نیز در اوج شهرت و ترقی بود و میعادگاه دانشمندان همه مذاهب اسلامی به شمار می‌رفت، ولی با تسلط ترکان سلجوقی و رشد نفوذ سنت‌گرایان و جموداندیشان اهل سنت و محدود شدن مباحث عقلی، استدلالی و کلامی، بسیاری از متکلمان آزاداندیش و عقلگرا از این شهر مهاجرت کردند. نظیر مهاجرت شیخ طوسی به نجف و مهاجرت ابن شهر آشوب به حله. ولی در آن زمان محیط نجف و حله با بغداد، به‌ویژه از نظر سطح فعالیت‌های علمی و فرهنگی بسیار متفاوت بود، از طرفی خلأ رقابتی بودن و نبودن تضارب آرا در این مناطق، چالشی بر سر راه شکوفایی علم کلام محسوب می‌شد.

### ۳-۴. ری

پس از درگذشت شیخ طوسی (۴۶۰ق)، بسیاری از شاگردان وی به دیگر مناطق شیعی، همچون ری مهاجرت کردند و زمینه برای پیدایش مکتب کلامی جدید فراهم آمد. کتاب الفهرست منتجب الدین، چگونگی حضور فرهنگی تشیع در ری را در قرن ششم هجری نشان می‌دهد. با خواندن این کتاب می‌توان پی برد که اندیشمندان شیعی بسیار برجسته‌ای در این



درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۱۷

دوره در ری زندگی کرده و هرچند گاه میان آنان و علمای سنی مناظره‌هایی انجام می‌گرفته و گاه این مناظره‌ها در حضور سلاطین سلجوقی برگزار می‌شده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۸۱).

بنابر گزارش منابع تاریخی، در نیمه سده پنجم، تا سال‌های آغازین سده ششم هجری، به علت فشارهای شدید حکومتی بر ضد شیعیان، به‌ویژه از سوی افرادی مانند عمیدالملک و نظام الملک، کمتر شاهد آثار کلامی هستیم، ولی با ضعف دولت سلجوقی در اوائل قرن ششم، وضعیت کلام شیعه بهبود یافت. نزاع میان فرقه‌های حنفی و شافعی در ری، در قرن ششم، به عنوان یکی از دلایل پیشرفت شیعه در این منطقه شمرده می‌شد. در این عصر، مراسم سوگواری عاشورا در ری برگزار می‌شد و مراقد علویان مورد احترام حنفیان و شافعیان ری بود (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳-۳۷۲) و منقبت‌خوانی میان شیعیان رواج داشت (همان: ۲۳۱).

در واقع، سال‌های آغازین قرن ششم هجری را باید آغاز دوره شکوفایی شیعه پس از سال‌ها فشار و سختی دانست که ابتدای این دوره با مدرسه کلامی ری هم‌زمان است. از این رو، آثار متعدد کلامی در مدارس کلامی ری نگاشته شدند. از ویژگی‌های کلامی این مکتب، فراوانی مناقب‌نویسی، بحث پیرامون محور امامت و مسئله اثبات یا نفی حال و معدوم و تعامل گسترده علمی با معتزلیان است (همان: ۳۴-۳۹؛ موسوی، ۱۳۹۴: ۳۲ و ۵۱-۵۲).

در عصر سلجوقی، حضور فرقه‌ها و مذاهب فقهی و کلامی، از جمله چهار مذهب فقهی اهل سنت و مکتب‌های کلامی اشعری، معتزلی، اسماعیلی، زیدی و امامی در ری، از یک سو، باعث شده بود این شهر در انحصار گروه خاصی قرار نگیرد (جعفریان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۳)؛ و از سوی دیگر، سبب مجاورت شیعیان با اهل تسنن و مراکز سیاسی مذهبی آنان شده بود، از این رو، متکلمان شیعه ری، مانند متکلمان بغداد، کوشیدند مکتب شیعه را از طریق برقراری تفاهم مذهبی و اجتناب از منازعه‌ها حفظ کنند و مستدام سازند. نمونه بارز این تلاش در برقراری تقریب و تفاهم مذهبی، کتاب النقض، تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی است. از دیگر شخصیت‌های کلامی ری، ابو عبدالله دوریستی (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۴۵)، عبدالجبار عبدالله بن علی رازی و سدیدالدین حمصی بودند (همان: ۴۰). با نگاهی به آرا و نظریات این متکلمان در آثارشان، می‌توان دریافت که آنان بیشتر تحت تأثیر افکار متفکران و اندیشمندان شیعی بغداد و نجف بودند.

عبدالجلیل قزوینی رازی، در کتاب خود، مدرسه‌های متعددی را در ری برمی‌شمرد که برای تعلیم و پرورش و گسترش کلام شیعی بنا شده و دارای قدمت چندین ساله بودند. ایشان از

مدرسه‌ای به نام «مدرسه خواجه عبدالجبار» نام می‌برد که چهارصد فقیه و متکلم در آن درس شریعت آموختند (همان: ۳۵). این کلام عبدالجلیل قزوینی به خوبی نشان از پویایی حوزه کلامی ری در آن عهد دارد.

### ۳-۵. کاشان

از دیگر مناطق تجمع شیعیان ایران در قرن ششم هجری، باید نیشابور، مهاباد اردستان، زواره، آبه (نزدیکی ساوه)، تفرش، بیهق، کاشان و روستای مشهور و عالم پرور آن راوند را نام برد. کاشان از لحاظ سیاسی زیر مجموعه قم بود (قمی، ۱۳۶۱: ۷۴). مرکز علمی ری، به دلیل اوضاع خاص سیاسی، مذهبی و جغرافیایی، بر این مراکز غالب بود چنان‌که قطب‌الدین راوندی از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن ششم، گرچه از علمای کاشان بود، ولی در ری ساکن بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۴۸).

با این حال، قرن پنجم و ششم هجری را باید اوج پیشرفت علمی و فرهنگی شهر کاشان دانست. محمد بن ابراهیم بن نبال (ابوجعفر کاشانی)، محمد بن اسماعیل (ابوالبرکات حسینی راوندی) و عبدالصابر بن محمد طوسی، از دانشمندان برجسته قرن پنجم هجری در کاشان بودند (آقا بزرگ، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۰۳-۱۴۸-۱۵۳). کاشان در شمار نخستین شهرهایی بود که مدارس آباد، زیبا و پر رونق در آن ساخته شدند. علت این امر وجود وزیران بزرگ و دلمتردان با کفایت و لایق شیعه‌مذهب در دولت سلجوقیان بودند که از این سرزمین برخاستند. نویسنده کتاب نقض، در پاسخ ناصبی متعصبی که نوشته بود: «و گر تیغ و قلم به دست رافضیان بودی همه مدارسها خراب کرده بودندی و منبرها برگرفته و مسلمانی را نگذاشتی که شربتی آب خوردی»؛ به مدارس معمور و پر رونق کاشان اشاره کرده و می‌نویسد: «پس عاقل داند آن کس که مدرسه کند، مدرسه نکند و آن کس که منبر فروزد منبر نسوزد، هر رباطی و مدرسه‌ای و منبری که رفیع‌تر و عالی‌تر و نیکوتر است، همه خواجه‌گان شیعه کرده‌اند و مدرسه صفی‌الدین و مجدالدین (در کاشان) و رباط‌های معین‌الدین (ابونصر کاشانی) و غیر آن، که روشن‌تر است از آفتاب» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۳۵).

این مدارس از پشتوانه سیاست‌مداران شیعه اهل کاشان و حضور خاندان فرهیخته و بزرگان علمی این شهر بهره‌مند بودند؛ برخی اندیشمندان و فرهیختگان کاشان عبارت‌انداز: قاضی عبدالجبار طوسی (همان: ۲۱۱؛ منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱۱۹)، سید ضیاء‌الدین ابوالرضا

درآمدی بر وضعیت کلام شیعه و متکلمان شیعی امامیه از قرن پنجم تا قرن هفتم هجری ۱۹

فضل‌الله راوندی (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱۸-۱۱۵-۱۴۴، قزوینی، ۱۳۵۸: ۱۹۸). قطب‌الدین راوندی، شیخ جمال‌الدین محمد بن حسین (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۱۷۶).

### ۳-۶. حلّه

پس از مراکز علمی قم، ری و سپس بغداد و نجف که از ربع نخست قرن چهارم تا نیمه قرن پنجم فعالیت علمی داشتند باید از مدرسه حلّه یاد کرد که از قرن ششم هجری شروع شد. شهر حلّه در صد کیلومتری بغداد واقع شده است. این شهر در سال ۴۹۵ق، از سوی صدّقه بن منصور بن دبیس بن علی بن مزید اسدی تأسیس شد؛ و به همین سبب آن را «حلّه مزیدیه، یا سیفیه» نامیدند (امین، ۱۴۱۸، ج ۱۱: ۱۵۶-۱۵۸). حمایت خاندان دانش‌دوست مزیدی از مرکز علمی حلّه و وضعیت ناهنجار سیاسی مقارن با ظهور سلاجقه در دیگر مناطق، سبب شد امنیت و وضعیت مناسبی برای علمای شیعه، از جمله متکلمان فراهم آید؛ از این رو، توجه همگان به‌ویژه علما و بزرگان شیعه را به خود جلب کرد (گرکوش الحلی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴).

تأسیس حوزه علمیه حلّه همراه با تأسیس شهر حلّه در اواخر قرن پنجم هجری است؛ اما آغاز شکوفایی آن به دوران ظهور فقیه بزرگ شیعه، ابن‌ادریس باز می‌گردد (امین، ۱۴۱۸، ج ۱۱: ۱۷۸-۱۷۹؛ گرکوش الحلی، همان: ۳). می‌توان گفت مدرسه حلّه ریشه در مدرسه نجف دارد که از سوی شیخ طوسی پایه‌ریزی فکری شد. در واقع این مدرسه ادامه حوزه نجف بود.

عالمان حلّه، نظیر ابن‌ادریس، نجیب‌الدین محمد بن جعفر بن نما الحلی (م ۶۴۵ق) و نجم‌الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلّی (م ۶۷۶ق) با رویه آزاد اندیشی، روح تازه‌ای در اندیشه علمی شیعه دمیدند و حوزه علمیه حلّه را برای تبدیل شدن به یک مرکزیت عام برای حوزه‌های شیعی آماده کردند. یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های مدرسه حلّه این است که در مقابل رکود علمی که بر حوزه نجف پس از شیخ الطائفه، حاکم شده بود، ایستاد و اجتهاد و تحقیق را دوباره به کار انداخت.



## فصل دوم

### رویارویی متکلمان شیعی با چالش‌های تقریب مذاهب از ناحیه

#### اهل سنت

به گزارش منابع، هم‌زمان با قرن پنجم هجری، قلمرو اسلام آکنده از تعدد و تشتت مذاهب و فرقه‌ها بود (مقدسی، ۱۳۶۲: ۲۳۶-۲۳۸ و ۲۶۶-۲۶۷). این فضا، عرصه را برای بروز اندیشه‌های نوین و مباحث علمی و منطقی تنگ می‌کرد. از این‌رو، عقلا و حتی صاحبان قدرت از استمرار این روند ناخشنود بوده و براساس شواهدی تاریخی، به تدریج به ایجاد تقریب و همگرایی تمایل یافتند. از عوامل چالش‌آفرین در مسیر تقریب مذاهب، موضع انفعالی اهل تسنن بود. در ادامه شرح علل این موضع بیان خواهد شد.

#### ۱-۲. درآمدی بر وضعیت سیاسی-کلامی قرن‌های پنجم تا هفتم هجری

برای فهم و درک چالش‌های فراروی تقریب مذاهب، نخست باید اوضاع و بستر سیاسی-مذهبی شناسایی شود. در قرن‌های چهارم تا هفتم هجری، دو گرایش متفاوت مذهبی وجود داشتند؛ نیمه نخست قرن چهارم، مقارن با تحول عظیمی در نگرش اعتقادی شیعه، یعنی شروع عصر غیبت کبرا (۳۲۹ق) و فقدان امام معصوم (علیه السلام) و لزوم تبیین اصول و مبانی شیعی از سوی متکلمان شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی و... همراه با تحولات سیاسی بود. در این زمان، با اینکه خلافت در اذهان عموم، به مثابه یک مرکز مذهبی سیاسی مطرح بود، دچار تزلزل شد و زمینه حکومت ایرانی و شیعی آل بویه بر شرق جهان اسلام فراهم آمد. فاطمیان اسماعیلی مذهب نیز در غرب اسلام قدرت بزرگی شکل دادند. با قدرت‌یابی شیعیان در شرق و غرب جهان اسلام، علما و اندیشمندان شیعه از فضائی باز و آزاد برای ابراز

اندیشه‌های خویش بهره‌مند شدند. روزگار آل بویه، با تکامل چارچوب‌های فقهی کلامی تشیع امامیه مقارن بود و علم کلام بالاترین اهمیت را داشت؛ چنان‌که متکلمان پیشوایی شیعه را در دست داشتند و تشیع امامی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مذاهب شیعی، از سوی جریان‌های سیاسی-مذهبی یاد شده حمایت می‌شد. علما و اندیشمندان مذهب تسنن نیز با نفوذ همه جانبه جریانات فکری-مذهبی تشیع و کلام معتزله به مقابله برخاستند. این مسائل موجب شدت یافتن موج تعصبات فرقه‌ای شدند و به تدریج شهرهای بزرگ ایران و عراق همچون بغداد و نیشابور را به سوی آشوب و ویرانی سوق دادند. ابن اثیر، چندین واقعه خونین میان شیعه و سنی را در حوادث سال‌های ۴۳۲ تا ۴۴۴، ۴۷۴، ۵۷۶، ۵۹۲ و ج ۱۰: ۱۴۵).

منابع از گسترش تشیع در عهد آل بویه خبر می‌دهند (ر ک: قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۵۴؛ حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۶۷-۱۹۰). در این دوره خراسان و ماوراءالنهر، پایگاه اهل سنت بوده و در نیشابور، طوس و بیهق، جوامعی از سادات وجود داشتند و گروه‌هایی از شیعیان در شمال غرب ایران زندگی می‌کردند؛ یعنی زیدی‌ها در ایالت‌های خزر و امامیه در ری، قزوین، قم، آوه و کاشان نفوذ داشتند و دارای مدارس و مراکز خاص خود بودند (قزوینی رازی، همان: ۴۵۸-۴۶۱).

با این حال، آل بویه هرگز درصدد تحمیل مذهب خود بر قلمرو تحت حاکمیتشان نبودند و قصدشان ایجاد نوعی حکومت مشترک شیعی و عباسی بود که آنان را از پیامدهای تغییر حاکمیت مذهبی برهانند. هرچند آل بویه در ایجاد سیاست تعادل میان شیعه و سنی می‌کوشیدند، تا از این طریق شیعیان از جمله عالمان شیعی بتوانند در آرامش زیست کنند، ولی دو عامل، این تعادل را برهم می‌زد؛ نخست، قدرت‌یابی ترکان که از سمت شرق ایران برخاسته بودند و دوم منازعه‌های فرقه‌ای که هر دو امر به افزایش قدرت خلافت عباسی و احیای قدرت اهل تسنن منجر شدند.

در قرن پنجم هجری، پس از استقرار حکومت ترکان در شرق خلافت اسلامی، قدرت خلفا بار دیگر احیا شد. آنان برخلاف آل بویه، به جای پیروی از سیاست ملی و نژادی، از سیاست مذهبی پیروی کردند. چنان‌که از دلایل مهم پیروزی ترکان در خراسان و گسترش نفوذشان تا بغداد و تنها عامل اتحاد خلافت عباسی با آنان، نزاع‌ها و مناقشه‌های فرقه‌ای و مذهبی بود (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۶۹).

نخستین گام برای احیای سنت از جانب سلطان محمود بن سبکتگین برداشته شد. وی در ۳۸۷ق، خراسان را تسخیر و خود را حامی مذهب تسنن اعلام کرد. بدین‌سان، غزنویان موفق به